

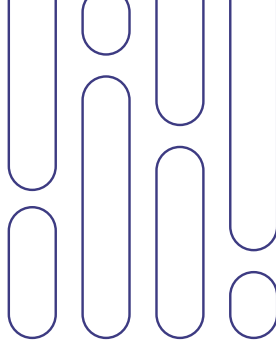
گزارش وضعیت

حمله ایران به اسرائیل؛ ارزیابی، پیامدها و سناریوها

21 آوریل 2024 م



RASANAHA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- 3 نخست: ارزیابی ضربات ایران به اسرائیل
- 3 یک. حملات محدود و نمادین ایران علیه اسرائیل
- 8 دو. تأثیر حملات ایران بر اسرائیل
- 9 دوم: پیامدهای این حمله بر اوضاع داخلی ایران، اسرائیل و ایالات متحده ..
- 14 سوم: سناریوهای احتمالی بعد از حمله ایران
- 14 یک. تنش زدایی و کاهش سطح تنش
- 15 دو. تغییر قواعد درگیری که منجر به رویارویی گسترده شود
- 16 سه. بازگشت به جنگ سایه

در تلافی حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق که به کشته شدن چند فرمانده ارشد سپاه پاسداران انقلاب منجر شد، ایران مستقیماً از خاک خود به اسرائیل حمله نظامی کرد. حمله ایران فاقد چندین عنصر جنگی و در رأس آنها عنصر غافلگیری بود و خسارتهای زیادی هم به اسرائیل وارد نکرد. اما با این همه، از آنجا که این حمله اولین رویارویی مستقیم میان ایران و اسرائیل بود، یک نقطه عطف سیاسی است که پیامدهای راهبردی زیادی به دنبال دارد. از این رو، این حمله علاوه بر خطراتی که منطقه را به جنگی گسترده سوق می دهد که همه کشورهای درواکنشهای خود نسبت به آن هشدار داده اند، این حمله پیامدهایی با ابعاد داخلی و خارجی برای ایران، اسرائیل و ایالات متحده دارد و این امر سناریوهای احتمالی آینده در مورد جنگ غزه و رویارویی ایران و اسرائیل را در هاله ای از ابهام قرار می دهد.

نخست: ارزیابی ضربات ایران به اسرائیل

با توجه به نحوه انجام حمله و پیامهایی که پیش از آن رد و بدل شد، متخصصان و کارشناسان استراتژیست مراکز اندیشه و مطالعات راهبردی تخصصی در مورد ارزیابی حملات ایران در داخل اسرائیل، اختلاف نظر دارند. زیرا رد و بدل شدن پیامها، این حمله را عملی اثر کرد و سبب شد که این حمله بیش از آنکه تاکتیکی باشد، یک حمله نمادین گردد. در این حمله 185 پهپاد شاهد 136 و شاهد 149، و مهاجر 6، قدس، 110 موشک زمین به زمین، 36 موشک کروز به سوی اسرائیل پرتاب شدند. در ارزیابی حمله ایران به دو مطلب می پردازیم که عباتند از: عملیات محدود و نمادین ایران علیه اسرائیل و تأثیر حملات ایران بر اسرائیل. اکنون این دو موضوع را به تفصیل مورد بررسی قرار می دهیم:

یک. حملات محدود و نمادین ایران علیه اسرائیل

حمله تلافی جویانه ایران به اسرائیل از لحاظ تأثیرگذاری، به اندازه حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق نمی رسد، به چند دلیل:

الف. نبود عنصر غافلگیری در حمله ایران

حملات ایران که 5 ساعت به طول انجامید، فاقد مهمترین عناصری بود که برای تحقق اهداف نظامی در جنگها مورد نیاز است، این عنصر همان ناگهانی بودن حمله و نامشخص بودن زمان آن است که به دشمن اجازه نمی دهد برای مقابله و

دفع حملات آمادگیهای لازم را اتخاذ کند و خسارتهای وارده را به حداقل برساند. این عنصر غافلگیری در حملات گروههای مقاومت فلسطینی علیه شهرک نشینان در غلاف غزه هم دیده می شود. اما ظاهراً، قبل از اینکه ایران دست به حمله بزند، دشمنان یعنی ایالات متحده و اسرائیل از آن آگاهی داشتند. چند ساعت پیش از انجام این حملات، جو بایدن رئیس جمهور آمریکا تأکید کرد که حمله ایران قرب الوقوع است. شبکه سی ان ان نیز گزارش داد که رصد ایالات متحده حکایت از آن دارد که ایران حدود 100 موشک کروز را برای حمله انتقامی علیه اسرائیل آماده کرده است و احتمالاً ایران از خاک خود به اهدافی در عمق اسرائیل حمله می کند. مقامات نظامی آمریکا یک روز قبل از حمله، پیش بینی کرده بودند که بیش از 100 بهیاد و ده ها موشک علیه اهداف نظامی در داخل اسرائیل به کار گرفته می شود.

همچنین، ارتش اسرائیل نیز از زمان حمله، سلاحهای مورد استفاده و مناطق هدف حمله آگاهی داشت؛ زیرا دانیال هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد که کشورش موشکها و پهپادهای ایرانی را رصد می کند و چندین ساعت طول می کشد تا این موشکها و پهپادها به مقصد برسند. ما با ایالات متحده و متحدان خود در خاورمیانه هماهنگ هستیم. پدافند هوایی اسرائیل و آمریکا در کمین موشکها و پهپادهای ایرانی است تا آنها را سرنگون کند.

و احتمالاً آمریکا و اسرائیل علاوه بر اینکه از زمان و نوع تجهیزات مورد استفاده در این حمله خبر داشتند، از طرفهای مشارکت کننده در این حمله نیز آگاهی داشتند؛ زیرا شبکه سی بی اس به نقل از منابعی، گزارش داد که طرفهای مشارکت کننده در این حمله نیروهای ایران و شبه نظامیان مسلح در سرتاسر خاورمیانه هستند که از چندین هفته با تسلیحات ایرانی مجهز شده اند. اما بخش اعظم حمله از سوی ایران صورت می گیرد. و در عمل نیز چنین شد و حملات موشکی از جنوب لبنان، و توسط حوثی ها و شبه نظامیان مورد حمایت ایران در سوریه و عراق نیز صورت گرفت.

بنیامین نتانیا هو یک روز پیش از این حملات در 13 آوریل 2024 میلادی، اعلام کرد که کشورش با نصب سیستمهای دفاعی و تهاجمی آماده مقابله با هرگونه حمله از سوی ایران است. این امر از هماهنگی پیشاپیش خبری می دهد که در جنگهای گذشته سابقه نداشته است. همچنین، اقدام کشورهای عربی و غیر

عربی به بستن حریم هوایی خود چندین ساعت پیش از آغاز حملات، نشان می دهد که آنان پیشاپیش از زمان حمله ایران آگاهی داشته اند.

حواد کریمی قدوسی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی چند ساعت قبل از آغاز حملات از قریب الوقوع بودن حمله ایران به اسرائیل خبر داد؛ او در پستی در شبکه ایکس نوشت: بعد از تنبیه رژیم صهیونیستی در ساعات پیش رو، این رژیم خبیث خواهد فهمید که اگر بار دیگر در هر گوشه ای از جهان به ترور جبهه مقاومت دست بزند، با موشکهای ایرانی سجیل، خیبر و شهاب تنبیه می شود. این امر نشان می دهد که ایران عمدا دشمنان خود را پیشاپیش در جریان قرار داده است.

ب. تکرار سناریوی هشدار قبلی به دشمنان در مورد حملات

شاید ایران با اطلاع دهی قبلی قصد داشته است که یک حمله محدودی را انجام دهد تا هم در پیشگاه افکار عمومی داخل تهدید خود را عملی کرده باشد و هم اینکه از درگیر شدن در یک رویارویی مستقیم علیه واشنگتن و تل آویو پرهیز کرده باشد. یعنی این بار هم همان سناریوی انتقام قاسم سلیمانی تکرار شد که ایران پیشاپیش به اداره رئیس جمهور وقت آمریکا دونالد ترامپ اطلاع داده بود که قصد دارد در انتقام به کشته شدن قاسم سلیمانی به پایگاه آمریکایی عین الاسد حمله کند. محمد جواد ظریف وزیر خارجه پیشین ایران در کتاب خود بنام "پایاب شکیبایی" از این امر پرده برداشته است. این بدان معناست که ایران در هر دو حمله خواسته است که طرف آمریکایی را پیشاپیش در جریان قرار دهد و حمله به صورت محدود و نمادین صورت گیرد تا طرف مقابل بتواند جلوی بروز هرگونه تلفات انسانی که ممکن است پیامدهای فاجعه باری برای ایران داشته باشد، را بگیرد. و هدف نظام از انجام این حملات محدود صرفا ارسال این پیام به افکار عمومی داخل ایران بوده است که می تواند تهدیدهای خود را عملی کند؛ و هدفی بیشتر از آن را نیز در نظر نداشته است.

از این رو می توان گفت که حمله ایران از لحاظ زمان و نتایج آن، از پیش برنامه ریزی شده بود؛ مخصوصا اینکه بسیاری از محافل رسانه ای غربی و اسرائیلی از مذاکرات ایران و آمریکا درباره سقف حملات تلافی جویانه ایران سخن می گویند که در این مذاکرات سقفی برای حملات ایران در نظر گرفته شده است که مبادا خسارتهای سنگینی به اسرائیل وارد کند و با واکنش اسرائیل، دایره

تنش در خاورمیانه گسترده تر شود. همچنین این رسانه ها به نقل از مقامات اسرائیل گزارش داده اند که اسرائیل با حمله ای که تلفات انسانی نداشته باشد، کنار خواهد آمد.

ج. ناکامی در تحقق اهداف نظامی

نظر به اینکه این حملات غافلگیرانه نبود و زمان انجام و نوع تسلیحات این حمله و نیز اهداف نظامی مورد نظر آن برای دشمن مشخص بود، اسرائیل و آمریکا تمام توان خود را برای رهگیری و انهدام پهپادها و موشکهای ایرانی به کار بستند تا مانع از اصابت آنها به اهداف مورد نظر شوند. از این رو، حملات ایران نتایج نظامی چندانی نداشت. بنیامین نتانیاهو از رهگیری موفق موشکهای ایرانی گفت. و دانیال هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل نیز اظهار داشت که "ایران بیش از 300 پرتابه شامل موشک و پهپاد به سوی اسرائیل شلیک کرد که 99 درصد آنها رهگیری شد. و تعداد محدودی از موشک های ایرانی زمین به زمین توانست به حریم هوایی اسرائیل نفوذ کند که در برخی شهرها فرود آمدند. بنا به گزارش ارتش اسرائیل از مجموع 110 موشک بالستیک، تنها 7 فروند آن موفق شدند به فضای اسرائیل نفوذ کنند که یک دختر جوان مجروح شد و خسارتهای اندکی نیز به یک فرودگاه نظامی در جنوب اسرائیل وارد گردید. و ده ها موشک کروز و بخش اعظم پهپادها قبل از اینکه به حریم هوایی اسرائیل برسند با مشارکت آمریکا و انگلیس رهگیری شدند و در سوریه و اردن فرود آمدند.

علی رغم اینکه ایران در رزمایشهای نظامی خود همواره تلاش کرده توان بالای تسلیحاتی و تجهیزات پهپادی خود را به رخ بکشد و اعلام کند که راهبرد و راهکنش لازم برای استفاده از آن را در جنگ واقعی با کشوری همچون اسرائیل را دارد که به زرادخانه تسلیحاتی مدرن مجهز است، اما گزارشهای زیادی حکایت از آن دارد که تعدادی از این پهپادها و موشکها به علت نقص فنی و میکانیکی در نیمه راه سقوط کردند و تعدادی نیز به خاطر اختلال در سامانه (GPS) که از سوی اسرائیل و متحدان آن صورت گرفت، از کار افتادند.

د. ناتوانی در تحقق توازن ترس، بازدارندگی و خسارت

نظر به اینکه اسرائیل پیشاپیش از زمان حمله، نوع تسلیحات و اهداف آنها آگاهی داشت، این حمله ایران فاقد عنصر غافلگیری بود و نتایج نظامی

چندانی هم نداشت. و از آنجا که حملات ایران به اسرائیل خسارتهای هنگفتی به بار نیاورد و از لحاظ حجم خسارتهای آنها با حملات پیاپی اسرائیل علیه فرماندهان سپاه در داخل و خارج ایران برابری نمی‌کند، می‌توان گفت که حملات ایران به اسرائیل در برآورده ساختن اهداف توازن ترس و بازدارندگی ناکام بوده است. و نمی‌تواند اسرائیل را وادار کند که در محاسبات خود در مورد تداوم حملات مشابه علیه اهداف ایرانی در آینده، تجدید نظر کند.

ه. رنگ باختن دکترین دفاع پیشدستانه ایران

شاید دکترین دفاع پیشدستانه که ایران از چند سال بدینسو در خاورمیانه روی دست گرفته است و با درگیر کردن بازوهای نیابتی تلاش می‌کند خود را از درگیری مستقیم با دشمنان دور نگهدارد و مسئولیت هیچ یک از عملیات آنها را بر عهده نگیرد، دیگر به پایان رسیده است. این دکترین که ایران از بازوهای نیابتی خود در عملیات دفاعی و تهاجمی استفاده کند، برای یک دهه بسیار کارآمد بوده است. اما تحولات کنونی در منطقه ایجاب می‌کند که ایران به جای جنگ ترکیبی که تا کنون داشته است، دکترین تازه‌ای برای رویارویی مستقیم در دست داشته باشد.

و. تأثیر این حمله بر دکترین دفاعی اسرائیل

این حملات اسرائیل را بر آن می‌دارد که برای مقابله با پهپادها، به فکر تأمین سیستمهای پدافندی ارزان قیمت باشد. برای رهگیری پهپادها و موشکهای کروز و موشکهای بالستیک ایران، اسرائیل موشکهایی را شلیک کرده است که قیمت آنها حدود یک میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

علی‌رغم اینکه تل‌آویو برای مقابله با تهدید پهپادی و موشکی ایران آمادگی کامل دارد، اما اسرائیل با توجه به اطلاعاتی که در طی این حمله کسب کرده و در آینده نیز کسب خواهد کرد، سیستم پدافند هوایی خود را ارتقا خواهد داد. و این احتمال نیز وجود دارد که اسرائیل حملات سری و پیشگیرانه خود در داخل خاک ایران را شدت بخشد و برای ایجاد اختلال در عملکرد سیستم پهپادی، بر روی جاسوسی سایبری بیشتر تمرکز کند.

دو. تأثیر حملات ایران بر اسرائیل

پیامدهای حملات ایران علیه اسرائیل بیش از آن است که به خسارتهای مادی و آبی محدود شود. از مهمترین این پیامدها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. تهدید امنیت اسرائیل

روایت اسرائیلی نتایج این حملات را محدود و خسارتهای وارده به اسرائیل را بسیار ناچیز عنوان کرده اند. در مقابل، روایت ایران تأکید دارد که حمله ایران برای تخریب اهداف نظامی مهم ارتش اسرائیل موفق بوده است و نیمی از موشکها در خاک اسرائیل با موفقیت به هدف اصابت کرده اند و به پایگاه هوایی النقب در منطقه النقب خسارتهای جدی وارد شده است. اما حملات ایران هرچند که یک سد مهمی را شکست و برای اولین بار یک بازیگر دولتی از داخل خاک خود به اسرائیل حمله کرد و این یک پیام تازه ای به اسرائیل است مبنی بر اینکه در خاورمیانه معادلات جدیدی شکل گرفته است و آن معادلات قبلی که بازیگران دولتی نمی توانند سودای حمله به اسرائیل از خاک خود را در سر پیوراندند، دیگر محلی از اعراب ندارد.

ب. اسرائیل بیش از پیش روحیه خود را از دست می دهد

بعد از حوادث هفتم اکتبر 2023 میلادی، تصمیم ساز اسرائیلی و هم شهروند اسرائیلی در یک وضعیت روانی بی سابقه ای به سر می برند. زیرا صحنه های فرار شهرک نشینان در غلاف غزه در هنگام عملیات طوفان الاقصی که خسارتهای انسانی و مادی زیادی برای اسرائیل به بار آورد، نظریه امنیت اسرائیل را مبنی بر اینکه اسرائیل قدرتی است که برای شهروندان خود امنیت و آسایش فراهم ساخته است و دشمنان حتی نمی توانند فکر حمله به اسرائیل را در سر پیوراندند، هم در سطح داخل و هم در سطح خارج با چالش راهبردی مواجه کرد؛ وقتی که تصمیم سازان و شهروندان اسرائیلی دیدند که کتائب عزالدین قسام تعدادی از آنها را کشت و تعدادی را هم به اسارت گرفت، و با آثر خطر شهروندان به پناهگاهها رفتند و در پی حملات مداوم موشکی از نوار غزه به کشورهای دیگر مهاجرت کردند، تصمیم سازان اسرائیل عقل خود را از دست دادند و دست به حملات وحشیانه ای به نوار غزه زدند که تا هنوز هم ادامه دارد.

ج. پراکندگی بیشتر توان اسرائیل در جنگ ترکیبی چندین جبهه ای

علی رغم اینکه حملات ایران خسارت چندانی در روی زمین برجای نگذاشت، اما برخی صاحب نظران بر این باورند که این حملات می تواند توانمندی اسرائیل را برای نبرد در جنگی که در چندین جبهه جریان دارد، پراکنده سازد و این امر اسرائیل را بسیار نگران ساخته است. و می تواند فشار جنگ از غزه را نیز کاهش دهد. بر اساس گزارش رسانه ها به محض اینکه ایران تهدید کرد که حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در سوریه را بی پاسخ نمی گذارد، تل آویو ناچار شد برای مقابله با حملات تلافی جویانه ایران در انتقام کشته شدن فرماندهان سپاه و در رأس آنها زاهدی از جبهه شمال یعنی از سوریه و لبنان که حضور نظامی ایران در آنجا پررنگ است، در هفتم آوریل 2024 میلادی [نیروهای نظامی خود را از جنوب نوار غزه عقب بکشد](#).

د. به حاشیه راندن خشم جامعه بین الملل از اسرائیل به خاطر جنگ غزه

اسرائیل تلاش می کند از حملات ایران بهره برداری کند و بر جامعه بین الملل و غرب فشار آورد که این حمله ایران را محکوم کند. و بدین سان اسرائیل تلاش می کند افکار عمومی جهان را از فجایعی که این رژیم علیه فلسطینیان مرتکب می شود، منحرف سازد. همچنین نتانیاهو نیز تلاش دارد از این حادثه بهره برداری کند و از خشم و نارضایتی مردم و پرونده هایی که علیه او همچنان جریان دارد، بکاهد.

دوم: پیامدهای این حمله بر اوضاع داخلی ایران، اسرائیل و ایالات متحده

حمله ایران به اسرائیل با خسارتهای مادی نسبتاً اندک و بدون تلفات انسانی پایان یافت. اما با این همه، پیامدهای مثبت و منفی آن مخصوصاً برای اسرائیل، ایران و ایالات متحده که به صورت مستقیم در این جنگ درگیر بودند، بسیار مهم است.

یک. ایران

در سالهای اخیر ایالات متحده و اسرائیل با ترور فرماندهان نظامی ایران، ضربات مهلکی بر این کشور وارد کرده است که در اولین مورد قاسم سلیمانی در سال 2020 میلادی ترور شد و بعد چندین تن از فرماندهان نظامی در داخل

و خارج ایران ترور شدند و اخیرا نیز محمد رضا زاهدی و همراهان وی در داخل کنسولگری ایران در دمشق کشته شدند. این رشته عملیات، نظام ایران را در مقابل افکار عمومی داخلی و منطقه ای در تنگنا قرار داد. و نزدیک بود که این روند به یک قاعده درگیری تبدیل شود که ایران به جای پاسخ دادن به حملات مستقیم دشمن، تنها به تهدید و رجزخوانی اکتفا نماید. با توجه به این مسأله مهمترین پیامدهای این حمله بر ایران را ذکر می کنیم:

یک) ترمیم اقتدار نظام ایران در افکار عمومی داخل؛ نظام ایران نشان داد که چنانچه اسرائیل خطوط قرمز ایران را نادیده بگیرد، ایران این توانمندی را دارد که مستقیما به اسرائیل حمله کند. همچنین، این حمله مشروعیت نظام ایران را که از همان ابتدا بر آمریکا ستیزی و اسرائیل ستیزی بنا شده است، تقویت می کند. نخبگان دینی ایران دریافتند که اگر با حمله به اسرائیل شکوه و اقتدار خود را اولاً در افکار عمومی داخلی و ثانيا در میان شیعیان احیا نکند، گفتمان آمریکا ستیزی و اسرائیل ستیزی که از همان ابتدای انقلاب 1979 از آن دم می زند، رنگ خواهد باخت. و در عین حال، تهران سعی کرد که حساب شده پاسخ دهد. تا مبادا حملات انتقام جویانه آن از کنترل خارج شده و در نهایت به سقوط "نظام اسلامی" منجر شود و یا اینکه با دخالت مستقیم آمریکا، کارآیی خود را از دست بدهد. حمله تلافی جویانه ایران نشان از صلاحیت و قدرت نظام دارد و نشان می دهد که گفتمان آمریکا ستیزی و اسرائیل ستیزی همچنان به قوت خود باقیست. نظام ایران از این حملات، برای ترمیم مشروعیت خود که در پی بحرانهای داخلی در دهه اخیر آسیب دیده است، استفاده خواهد کرد.

دو) ایران از این پاسخ حساب شده خود برای تقویت جایگاه خود در میان شیعیان و ترمیم اعتبار خود در جهان عرب و جهان اسلام استفاده می کند و این روایت را ترویج می دهد که ایران کشوری است که در "قول و عمل" از مبارزه با آمریکا و اسرائیل دست بردار نیست. این امر قدرت نرم ایران و پروژه های منطقه ای و همچنین اعتبار این کشور را در میان گروههای نیابتی و بازیگران فاقد دولت ملی، تقویت خواهد کرد. علاوه بر آن، ایران که همواره از اعتبار دم زده و دشمنان خود را به بی اعتباری متهم ساخته است، با این حمله، اعتبار خود را عملا به نمایش گذاشت. همچنین، ایران به عنوان بزرگترین کشور شیعی در جهان که به خاطر دامن زدن به جنگهای فرقه ای در منطقه بسیار آسیب دیده است، از این حمله برای ترمیم اعتبار مذهبی خود نیز استفاده می کند.

و از این منظر، با تولید و ترویج ادبیاتی که از اول انقلاب 1979 شایع شده، در خطبه های جمعه در همه مناطق ایران و نیز در کشورهای شیعی و در رسانه های ایرانی وزیر مجموعه های عربی آن، برای بیان قدرت و اقتدار ولی فقیه، و مبارزه با اسرائیل استفاده کند و دشمنان ایران را به خواری و سرسپردگی و نوکری آمریکا و صهیونیست متهم سازد.

سه) علی رغم اینکه این حمله از داخل خاک ایران صورت گرفت، اما این حمله توسط سپاه و بدون دخالت ارتش صورت گرفت. هرچند که می توان این اقدام انحصاری را چنین توجیه کرد که قربانیان حمله اسرائیل از سپاه بودند و قانون اساسی نیز سپاه را مسئول حفاظت از انقلاب و ارزشهای انقلاب دانسته است، اما گذشته از همه این موارد آنچه رخ داده است در نهایت نفوذ سپاه را به عنوان نهادی که در خطوط مقدم جبهه جنگ با دشمنان حضور دارد، در داخل نظام تقویت می کند. در نتیجه سپاه خود را در تدوین سیاستها و راهبردهای نظام و همچنین تعیین سمت و سوی کشور شایسته تر می داند؛ همانطور که در پایان جنگ با عراق رخ داد و سپاه پاسداران در مقابل طرحهای رفسنجانی برای به حاشیه راندن سپاه، به فداکاریهای خود در اوایل جنگ ایران و عراق استناد کرد. و در سایه رقابت بر سر آینده نظام ایران، احتمالاً در یارگیریهای رقابت بر سر مقام رهبری در فردای پس از خامنه ای، سپاه علاوه بر سایر ابزارها، از این ابزار نیز استفاده خواهد.

4) این حمله، قاعده تازه ای را به جمع قواعد درگیری سنتی میان طرفهای رقیب افزود. همانطور که اسرائیل با حمله به یک مرکز دیپلماتیک قواعد بازی را زیر پا گذاشت، ایران نیز به جای اینکه همانند گذشته به حملات از طریق گروههای نیابتی در عراق، سوریه و لبنان اکتفا کند، با عبور از خطوط قرمز مستقیماً از داخل خاک خود به اسرائیل حمله کرد. از این جهت، ایالات متحده و اسرائیل قبل از اقدام به هر نوع جنگ افروزی در آینده، واکنش ایران را نیز در نظر می گیرند و می دانند که ایران در مقابل حملات، پاسخ خواهد داد. درست است که این حمله از لحاظ نظامی یک شکست بود اما از لحاظ سیاسی همانطور که قبلاً گفتیم، به منزله بالا بردن سطح قواعد درگیری محسوب می شود. در نتیجه می توان گفت در بدترین حالت، ممکن است قواعد درگیری به یک سطح بالاتر دیگری نیز کشیده شود.

پنج) پاسخ روشمند ایران که بلافاصله و پیش از آنکه پهپادها به مقصد برسند از طریق نمایندگی خود در سازمان ملل پایان حمله را اعلام کرد، و حفظ "قواعد درگیری" که گروه‌های نیابتی آن در عراق، لبنان و یمن بعد از حملات 7 اکتبر در پیش گرفته اند، به علاوه هماهنگی غیر مستقیم با ایالات متحده برای اجتناب از تلفات انسانی در اسرائیل، همگی بر عنصر "خرد ورزی" تصمیم ساز ایرانی دلالت دارد؛ به ویژه اینکه قبلا نیز ایران پیش از حمله موضوع را به دشمن اطلاع داده بود. محمد جواد ظریف وزیر خارجه پیشین و حسن روحانی رئیس جمهور پیشین نیز سخنان ترامپ را تأیید کرده اند که رهبر و سپاه پاسداران از طریق نخست وزیر عراق به آمریکایی‌ها اطلاع داده بود که در پاسخ به ترور قاسم سلیمانی، به پایگاه‌های آمریکایی حمله خواهد کرد. این نوع رفتار ایران، این رویکرد در داخل اداره آمریکا تقویت خواهد کرد که ایران بر اساس محاسبات مصلحت گرایانه رفتار می کند و می توان مشکلات را از طریق گفتگو حل و فصل کرد و لابی ایرانی نیز به شدت از این رویکرد دفاع می کند. در نتیجه، گزینه "سرنگونی نظام کنونی" که برخی از جمهوری خواهان تندرو در مورد آن پافشاری می کنند، منتفی خواهد شد.

دو. ایالات متحده آمریکا

این تحولات خاورمیانه در سالی اتفاق می افتد که ایالات متحده انتخابات ریاست جمهوری را پیش رودارد و کارزار انتخاباتی میان "جو بایدن" رئیس جمهور کنونی و "دونالد ترامپ" رئیس جمهور پیشین به شدت جریان دارد. از این رو، تلاش می شود در محاسبات اشتباهی رخ ندهد. رئیس جمهور بایدن تلاش می کند اوضاع خاورمیانه از کنترل خارج نشود و این درگیری، به جنگ منطقه ای بدل نشود که به خاطر پیامدهای آن بر داخل ایالات متحده و نیز پیامدهای اقتصادی آن، آمریکا نیز خود را یک طرف جنگ بداند؛ همانطور که قبلا در مورد افغانستان و عراق رخ داده است. ترامپ که در این رقابت فعلا پیش‌تاز به نظر می رسد تلاش دارد از شکست رقیب دموکرات خود در این رقابت استفاده کند. علی رغم اینکه حمله ایران به اسرائیل می تواند به یک جنگ منطقه ای بدل شود، اما از سویی دیگر اگر دونالد ترامپ فرصت سرمایه گذاری در این واقعه را از دست ندهد یعنی بایدن را به خاطر اینکه ایران با استفاده از موضع ضعیف او به خود جرأت حمله را داده است و اگر او در قدرت بود ایران به هیچ وجه دست به چنین کاری نمی زد مورد انتقاد قرار ندهد، این حمله به دو دلیل به نفع جو

بایدن تمام می شود. دلیل اول: با مشارکت ایالات متحده در دفع حملات ایران و تأکید بر حمایت همیشگی از اسرائیل، بایدن می تواند رأی یهودیان آمریکا و شهروندان حامی اسرائیل را با خود داشته باشد. دلیل دوم اینکه بایدن می تواند حمله ایران را بهانه قراردادده و برای دستیابی به توافق آتش بس و پایان جنگ بر بنیامین نتانیاهو و تیم او که خواهان گسترش جنگ و حمله به رفح هستند، فشار آورد. گزارشهای رسانه ای حکایت از آن دارد که بایدن به نخست وزیر اسرائیل توضیح داده است که اگر اسرائیل در پاسخ به حمله ایران، دست به حمله ای بزند ایالات متحده در آن مشارکتی نخواهد داشت. پیش از این و در پی کشته شدن تعدادی از کارکنان سازمان "آشپزخانه مرکزی جهانی" توسط ارتش اسرائیل، بایدن اسرائیل را شدیداً تحت فشار قرارداد تا اینکه اسرائیل اجازه ورود کمکهای بشر دوستانه به شمال غزه را صادر کرد. از این رو می توان گفت که برای نتانیاهو نیز چندان آسان نیست که در مقابل مخالفت آمریکا با گسترش جنگ، لجاجت به خرج دهد.

سه. اسرائیل:

علی رغم اینکه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل از موفقیت در خنثی کردن حمله سخن گفت و وعده پیروزی داد، اما در واقع بیشترین ضرر از حمله ایران به اسرائیل متوجه اوست. زیرا او به خاطر اینکه هیچ دستاورد نظامی در مورد وعده هایی که در ابتدای جنگ غزه مطرح کرده بود، در افق دیده نمی شود، با یک چالش جدی و با فشارهای داخلی و خارجی روزافزون مواجه است. در سطح داخل، احساس ناامنی در جامعه اسرائیل افزایش خواهد یافت و این مسأله ای بسیار مهم است؛ مخصوصاً اینکه بر خلاف زمان حملات گروههای مقاومت فلسطینی، فعال شدن آژیر خطر در مناطق خاصی محدود نماند بلکه در سرتاسر سرزمین های اشغالی به صدا درآمد. و مدارس تعطیل شدند و در شب حمله حریم هوایی اسرائیل نیز بسته شد. در نتیجه می توان گفت که این حمله برگ دیگری به کارنامه شکستهای نتانیاهو افزود. همچنین این حمله ایران موضع اپوزیسیون را که خواهان پایان دادن به جنگ غزه هستند و نتانیاهو را متهم می سازند که به خاطر اهداف شخصی امنیت کشور را به خطر می اندازد، تقویت می کند. و اپوزیسیون از موضع داخلی طرفدار آتش بس و نیز موضع بین المللی مخالف گسترش جنگ، به عنوان فرصت بسیار گرانبهایی علیه نخست وزیر استفاده خواهد کرد. اما در عین حال محکومیت حمله ایران توسط جامعه بین

الملل و ابراز همدردی با اسرائیل ضرورتاً به معنای حمایت از پاسخ اسرائیل به ایران نیست؛ زیرا این کشورها از اینکه درگیری کنونی به یک جنگ منطقه‌ای کشیده شوند، بسیار هراس دارند. گذشته از اینکه نتانیاهاو چه رویکردی را در پیش خواهد گرفت، یقیناً با هر گامی که برمی‌دارد به اختلافات و چند دستگی در داخل اسرائیل چه با اپوزیسیون و چه با ائتلاف حاکم راست‌گرای تندرو که بر تشدید تنش اصرار دارد، دامن خواهد زد. از این رو، نتانیاهاو تلاش می‌کند با بهانه قرارداددن این حملات، تمایل اسرائیل به انتقام را تقویت کند تا هرچند به طور موقت از زیر فشارها رهایی یابد. ارتش اسرائیل اعلام کرد در مقابل هرگونه حمله ایران، اسرائیل **طرح‌های دفاعی و تهاجمی** را روی میز دارد. و وعده داد که حملات ایران را پاسخ خواهد داد که احتمالاً به خاطر بازگرداندن توازن در اوضاع آشفتۀ داخلی است.

سوم: سناریوهای احتمالی بعد از حمله ایران

بی تردید، حمله بی سابقه ایران به اهدافی در داخل خاک اسرائیل قواعد تازه‌ای میان طرفین تعریف کرده است که ممکن است قواعد درگیری را در آینده تغییر دهد. و ممکن است پیامدهای آن در مورد رویارویی میان طرفین به سناریوهای متعددی ختم شود. زیرا عوامل ثانوی چندی در این مسأله دخالت دارند که مهمترین آنها عبارتند از، نخست: تهدید اسرائیل مبنی بر پاسخ به این حمله ایران و دامنه و میزان این پاسخ، دوم: در صورت حمله انتقامی اسرائیل، ایران آمادگی دارد حمله‌ای گسترده‌تر و کوبنده‌تر انجام دهد. سوم: موضع مخالف آمریکا در مورد تشدید تنش که احتمالاً به اسرائیل فشار آورد که از حمله صرف نظر کند. چهارم: ارزیابی طرفهای این حمله و محاسبات هزینه-فایده. با توجه به آنچه بیان شد در این زمینه می‌توان سه سناریویی که شانس بیشتری دارند را متصور بود:

یک. تنش زدایی و کاهش سطح تنش

یعنی اینکه ایران و اسرائیل با پرهیز از تشدید تنش، به حملات متقابل پایان دهند. از یک سو، اسرائیل از هرگونه حمله مستقیم و یا غیر مستقیم به ایران پرهیز کند و از سویی دیگر، ایران نیز حملات خود را علیه اسرائیل و اهداف اسرائیل کاهش دهد.

شاید بتوان گفت که حمله ایران معادله تازه ای برای اسرائیل تعریف کرد و این ضربه در مقابل بازدارندگی ایجاد کرده است. این امر اسرائیل را بر آن می دارد که در سیاستهای خود و مخصوصاً در سیاست دیرینه جنگ سایه تجدید نظر کند. علاوه بر آن، اکنون اسرائیل دریافته است که ایالات متحده فقط برای حمایت از امنیت اسرائیل آمادگی دارد اما در حمله به ایران و تغییر قواعد درگیری منطقه ای در کنار اسرائیل نخواهد بود. و ایران نیز تمایل به کاهش تنش با اسرائیل دارد. زیرا تشدید تنش با اسرائیل مشروعیت نظام را در داخل با چالش روبرو می کند و مردم را نسبت به شعارهایی که علیه اسرائیل سر می دهد بی اعتماد می سازد. و بعد از اینکه این ضربه هدف اصلی یعنی حفظ آبروی نظام را برآورده کرد، دیگر نیازی به تشدید تنش نیست. و این امر از اظهارات مقامات ایران به خوبی هویدا است. از دیگر عواملی که شانس این سناریو را تقویت می کند، تمایل اسرائیل به تمرکز روی جنگ غزه است و نتانیاهو نیز در صدد است که با جلب مجدد حمایت آمریکا از این فرصت برای تقویت موضع داخلی خود استفاده کند. علاوه بر آن شرایط منطقه ای و بین المللی ایجاب نمی کند که اسرائیل دست به تنش آفرینی بزند. وانگهی، هر نوع رویارویی ممکن است به گسترش جبهه های جنگ علیه اسرائیل منجر شود. و درگیر شدن همزمان اسرائیل در چندین جبهه، به زیان این کشور است و احتمالاً سیستمهای دفاعی اسرائیل نیز توان خنثی کردن حملات از چندین جبهه را نداشته باشد.

دو. تغییر قواعد درگیری که منجر به رویارویی گسترده شود

یعنی قواعد بازی میان طرفین تغییر کند و با سپری شدن دوران جنگ سایه و رویارویی غیر مستقیم، طرفین وارد فاز پیشرفته تری از تشدید تنش و جنگ افروزی شوند که ممکن است به یک جنگ تمام عیار منجر شود. و این سناریو دو احتمال را در بر دارد. احتمال اول: طرفین با حملات مستقیم اما پراکنده، امنیت ملی، حاکمیت و منافع طرف مقابل را مستقیماً تهدید کنند. احتمال دوم: اینکه تشدید تنش و درگیریها همچنان ادامه یابد تا اینکه دامنه جنگ از مناطق جانبی فراتر رفته و به یک جنگ پردامنه تبدیل شود. بر اساس این سناریو و احتمالات آن احتمال دارد که اسرائیل به ایران پاسخ دهد و ایران نیز ناچار به واکنش شود و این امر به یک جنگ مستقیم محدود و یا گسترده بدل شود.

آنچه احتمال این تنش آفرینی را تقویت می کند، این است که درگیریهای اخیر از آستانه جنگ سایه که قبلا جریان داشت، عبور کرده است. و ایران برای اولین بار نشان داد که می تواند به داخل خاک اسرائیل حمله کند. احتمال دارد که وضعیت کنونی رو به وخامت نهد زیرا هیچ تضمینی برای عدم تشدید تنش وجود ندارد. مخصوصا که اکنون جریانهای تندرو در اسرائیل خواهان پاسخ به ایران و بازگرداندن توان بازدارندگی اسرائیل هستند. همچنین اینکه ایران برای اولین بار به خود جرأت داده است که مستقیما به خاک اسرائیل حمله کند، به اعتبار ارتش و فرماندهان اسرائیلی آسیب زده است. علاوه بر آن، نتانیاهو می خواهد برای عبور از بحران داخلی و خروج از محاصره کنونی در غزه، به گزینه فرار به جلو متوسل شود. گذشته از اینها، ایران تهدید کرده است که در برابر هرگونه حمله اسرائیل پاسخ خواهد داد و اگر اسرائیل بار دیگر حمله ای انجام دهد، ایران پایگاههای آمریکایی را نیز هدف قرار می دهد. و در سایه حضور پر رنگ نظامی آمریکا در منطقه، این حملات به اعتبار واشنگتن بسیار آسیب زده است. این امر می تواند موضع آمریکا را تغییر دهد.

سه. بازگشت به جنگ سایه

یعنی طرفین با درک عواقب تشدید تنش و عبور از خط قرمز، در آینده از حمله مستقیم و تجاوز به حاکمیت منطقه ای پرهیز خواهند کرد. اما همچنان راهبرد جنگ سایه و رویارویی غیر مستقیم را ادامه خواهند داد به گونه ای که طرفین در مورد آسیب زدن به منافع دیگری مسئولیتی را بر عهده نمی گیرند. و اسرائیل طبق روال گذشته همچنان به ترور فرماندهان و جنگجویان شبه نظامی ایرانی در کشورهای منطقه ادامه خواهد داد. و علاوه بر حمله به شبه نظامیان و گروههای مورد حمایت ایران، در داخل ایران علیه تأسیسات و مراکز حساس حملاتی انجام خواهد داد بدون اینکه مسئولیت آن را بر عهده گیرد و یا آن را اعلام کند. در مقابل، ایران نیز از طریق گروههای نیابتی خود مانند حزب الله لبنان و یا حوثی های یمن پاسخ خواهد داد و یا به حملات سایبری علیه اهدافی در داخل اسرائیل و یا حملاتی علیه منافع و عناصر اسرائیلی در کشورهای دیگر متوسل خواهد شد. همچنین ایران می تواند با توقیف کشتیهای اسرائیلی و یا حمله به آنها و انکار مسئولیت، همان الگوی جنگ سایه را ادامه دهد.

آنچه شانس این سناریو را افزایش می دهد این است که اسرائیل بعد از رهگیری موفقیت آمیز پرتابه های ایران با همکاری شرکای خود و در رأس آنها ایالات متحده این موفقیت را به عنوان یک پیروزی برای خود ثبت کرد، ترجیح می دهد که در پاسخ به حمله اخیر ایران به داخل ایران حمله نکند. و تهدید ایران مبنی بر اینکه هرگونه جنگ افروزی اسرائیل را با قاطعیت پاسخ خواهد داد، و اینکه آمریکا در آستانه نزدیک شدن به موعد انتخابات ریاست جمهوری تمایلی به گسترش دامنه جنگ ندارد پس بنابراین اسرائیل را تحت فشار قرار می دهد که دست از تشدید تنش بردارد و تمرکز آمریکا بر پاسخ سیاسی و دیپلماتیک، و در عین حال، تمایل اسرائیل به عدم مخالفت با خواست آمریکا که ممکن است به از دست دادن حمایت آمریکا در درگیریهای کنونی در چندین جبهه منجر شود، همه و همه عواملی هستند که شانس این سناریو را تقویت می کنند.

و احتمالاً سناریوی بازگشت به جنگ سایه و درگیری غیر مستقیم شانس بیشتری دارد و به واقعیت نزدیک تر است. و با بلندپروازیها و امکانات طرفین در مرحله کنونی سازگارتر است. اما احتمال سناریوی تنش زدایی با توجه به اختلافات و خصومت دیرینه میان طرفین، بسیار بعید به نظر می رسد. و انتظار می رود که اسرائیل در آینده برای بالا بردن محبوبیت از دست رفته نتانیا هو، دست به یک انتقام بی سابقه ای بزند اما بدون اینکه خود را درگیر جنگ گسترده ای کند؛ چرا که هیچ یک از طرفین توان تحمل هزینه جنگ تمام عیار را ندارد. و فضای منطقه ای و بین المللی نیز نمی خواهد که منطقه تا این حد بی ثبات گردد.



✉ info@rasanahiiis.com

🐦 [@rasanahiiis](#)

🌐 www.rasanah-iiis.org

